عفیفیان، فرزانه؛ حیدری، غلامرضا (۱۳۹۹). مروری بر مطالعات مربوط به طبقه‌بندی علوم در ایران.
پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی ، ۱۰ (۲)، ۲۹-۵.
DOI: 10.22067/infosci.2021.23234.0

مروری بر مطالعات مربوط به طبقه‌بندی علوم در ایران

فرزانه عفیفیان[1]، غلامرضا حیدری[2]

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲ نوع مقاله : مروری

چکیده

مقدمه: طبقه‌بندی علوم همزمان با پیدایش و گسترش دانش به وجود آمده است و پژوهش‌های متعددی در این خصوص انجام شده است.

هدف: مطالعه‌ی حاضر بر آن است تا تصویری روشن و منطبق بر واقعیات از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در ایران ارائه دهد. به این منظور پژوهش‌های انجام شده در ایران به زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش شناسی: روش تحقیق در این مقاله سندی- تحلیلی بوده است و پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه از وب‌سایت‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌ها گردآوری و مطالعه شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد آغاز انتشار منابع مربوط به این حوزه به دهه ۱۳۶۰ بازمی‌گردد. پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به لحاظ کمی و تا حدودی کیفی روند رو به رشدی داشته است. سیر مطالعاتی پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم نشان می‌دهد زمینه‌های تحقیقاتی به‌سمت مطالعات تطبیقی، انتقادی و اخیراً به‌سمت پژوهش‌هایی با رویکرد میان‌رشته‌ای سوق یافته است. تقریباً بیشتر آثار منتشر شده در این حوزه به‌صورت مقالات چاپ شده دارای اعتبار علمی بوده است، تعدادی کتاب نیز در این حوزه نگاشته شده است، اخیراً پایان‌نامه‌های محدودی در این حوزه کار شده است. تعداد اندکی از مقالات این حوزه نیز توسط کتابداران و متخصصان اطلاعات تألیف شده است و در مجلات کتابداری و علم اطلاعات و دانش‌شناسی چاپ شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: بررسی متون، دانش، رده‌بندی، طبقه‌بندی، علوم، مرور پیشینه.

۱. رییس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه شیراز(نویسنده مسئول)، fafif@rose.shirazu.ac.ir
۲. دانشیار گروه آموزشی علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه رازی کرمانشاه، ghrhaidari@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

به لحاظ تاریخی شاید اولین تقسیم‌بندی علوم در جهان در آشور[۱] صورت گرفته باشد جایی که پادشاهان این سرزمین کتابخانه‌های خود را طبقه‌بندی نموده‌اند (بحرانی،۱۳۹۲). از دوره‌ی باستان تاکنون علوم به شیوه‌های گوناگون طبقه‌بندی می‌شوند و از ترتیب، تصنیف، ارزش‌گذاری و احکام و ویژگی‌های خاص هر علم بحث می‌شود (اسلام‌پور، ۱۳۸۸). در قلمرو تمدن اسلامی نیز طبقه‌بندی و تقسیم علم مورد توجه بسیاری از دانشمندان و فلاسفه مسلمان بوده است و از اواسط قرن دوم هجری تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی از علوم ارائه شده است. تقسیم‌بندی علوم مسئله‌ای است که بسیاری از بزرگان، حکما، فلاسفه، کتاب‌شناسان و حتی فقیهان به آن پرداخته‌اند. هر کس که بخواهد به‌طور جامع و فراگیر به علم و دانش به‌عنوان درخت تناور معرفت بشری بنگرد ناگزیر است به مسئله‌ی تقسیم‌بندی علوم توجه می‌کند حتی آن‌کس که در مسائل جزئی یک علم کار می‌کند علاقه‌مند است که بداند علمی که با آن سروکار دارد و یا درباره‌ی آن می‌اندیشد در چه بخشی از خانواده‌ی بزرگ علم است و ارتباط آن با درخت تناور و پر شاخ و برگ دانش چگونه است و در کجا قرار دارد (حبیبی، ۱۳۷۴).

از طبقه‌بندی علوم در ایران باستان و دوران پیش از اسلام اطلاعات مختصری وجود دارد، تقسیم‌بندی که از طبقات اجتماعی مردمان در زمان جمشید پادشاه پیشدادی[۲] انجام گرفته است را شاید بتوان گونه‌ای گروه‌بندی اولیه در این زمینه به‌شمار آورد. در اوستای زرتشت نیز در جایی که سخن از پزشکی و انواع معالجه‌کنندگان آمده است به تقسیم‌بندی‌های چندگانه طبیبان اشاره شده است. در بندهش که یکی از ادبیات اوستایی است مطالب مربوط به ستارگان، کوه‌ها، دریاها، رودها، گیاهان و جانوران به‌گونه‌ای دسته‌بندی شده است و در آن نوعی طبقه‌بندی مشاهده می‌شود (فرشاد، ۱۳۶۵). در دوران پس از اسلام نخستین طبقه‌بندی‌های جامع از علوم در اوایل سده چهارم هجری توسط فارابی در کتاب احصاءالعلوم انجام گرفته است. به‌دنبال طبقه‌بندی فارابی، طبقه‌بندی‌های دیگری از دانشمندان ایرانی چون خوارزمی، فخر رازی، قطب‌الدین شیرازی، شمس‌الدین آملی و تهانوی ارائه شد.

در گذشته رشته‌های علوم گسترش و تعدد فراوانی نداشت اما به‌تدریج دامنه‌ی دانش‌ها وسیع‌تر شد و

---

۱. آشور نام سرزمینی قدیمی است که در بخش میانی رود دجله و کوهستان‌های مجاور آن قرار داشته است. آشوربانیپال آخرین پادشاه بزرگ آشور (قرن ۷ ق.م) آرشیوی شامل ۲۵۰۰ لوح گلی در کاخش در نینوا جمع‌آوری و آن‌ها را طبقه‌بندی و فهرست کرده بود.

۲. پیشدادیان نخستین سلسله‌ی پادشاهان در شاهنامه و اساطیر ایرانیان می‌باشند. چون این گروه را مقدم بر دیگران شمرده‌اند، این نام را بر این گروه نهاده‌اند. جمشید فرزند طهمورث از پادشاهان پیشدادی می‌باشد.

رشته‌های نوینی پدید آمد. با پیدایش گرایش‌های تخصصی علوم و شاخه‌های مختلف دانش استفاده از طبقه‌بندی‌های سنتی با ملاک‌ها و شیوه‌های گذشته پاسخ‌گو نیست؛ بنابراین باید به شیوه‌ای نوین در طبقه‌بندی دانش خلق نمود تا بتواند پاسخ‌گوی شاخه‌های متنوع و متعدد دانش باشد. در گذشته علم به‌عنوان شالوده یا ساختار تک‌بعدی تعریف می‌شد اما امروزه با عنوان یک شبکه با مجموعه‌ای از نقاط مشترک متعدد و یک نظام پویا تعریف می‌شود. ایده‌های عبور مرزی تقسیم‌بندی رشته‌ها را کنار زده‌اند، پیوستگی و پیوند جایگزین روش‌های تفکیکی شده‌اند. تاریخ علم تاریخ تشکیل رشته‌های ترکیبی یا متفاوتی است که به هم چسبیده و در هم ادغام شده‌اند. به عبارت دیگر اگر تاریخ رسمی علم را تاریخ دانش رشته‌ای بدانیم تاریخ دیگری که با آن مرتبط است و از آن گسستنی نیست تاریخ دانش‌های درون رشته‌ای و چندرشته‌ای است (بحرانی، ۱۳۹۲). مطالعات میان‌رشته‌ای به‌دنبال ترکیب، تلفیق و تعامل میان دانش و مهارت‌ها در رشته‌های مختلف است که به‌منظور افزایش درک و فهم ابعاد مختلف موضوعات مورد مطالعه توانایی تحلیل صحیح امور، توسعه‌ی تفکر انتقادی و قدرت خلاقیت استفاده از آن متداول شده است (سجادی و نورآبادی، ۱۳۸۹). بر این اساس لازمه‌ی گذر از رشته به میان‌رشته و دست یافتن به قابلیت‌های آن تحولی اساسی در تقسیم‌بندی علوم و ایجاد طبقه‌بندی با در نظر گرفتن تعامل بین دانش‌هاست.

بیش از یک قرن از طبقه‌بندی علوم در جهان می‌گذرد، اما به نظر می‌رسد نخستین اثر مکتوب در خصوص طبقه‌بندی علوم در ایران مربوط به اواخر دهه ۱۳۳۰ است. آثاری از محمد اسماعیل مبلغ (۱۳۳۹) که در مقاله‌های متعدد به طبقه‌بندی علوم توسط برخی از فلاسفه‌ی جهان غرب و دنیای اسلام پرداخته است. اما انتشار آثار در زمینه طبقه‌بندی علوم در ایران به دهه ۱۳۶۰ بازمی‌گردد. در این خصوص آثار متعددی چاپ و منتشر شده است که با رویکردهای متفاوت به این موضوع پرداخته‌اند. در عصر جدید با توسعه‌ی اطلاع‌رسانی و رسانه‌ها ضرورت توجه به طبقه‌بندی بیشتر احساس می‌شود زیرا در هر زمینه اطلاعات انبوه و فربه شده است و این اطلاعات باید با دقت تمام تقسیم و تنظیم شود تا ذخیره‌سازی، بازیافت و استفاده از آن‌ها آسان شود. در جهان امروز که تمدن و توسعه به اوج خود رسیده و شبکه‌های پیچیده‌ی علوم دارای انشعاب‌های شگفت‌آوری شده‌اند و ترقی و تعالی بشر جز در پرتو فکر روشن و خردورزی صحیح میسر نمی‌شود، طبقه‌بندی علوم ارزش و اهمیت روزافزونی پیدا کرده است. اما تاکنون به مرور روشمند و نظامند این متون پرداخته نشده است. بنابراین، بررسی طبقه‌بندی‌ها و چالش‌های آن از مسائل مهم و اساسی است که با پرداختن به آن بسیاری از مشکلات و ابهامات مرتفع شده و نظمی نوین در ساختار دانش پدیدار می‌شود، درهای تولید علم گشوده شده و نقشه‌ی جامعی از علم در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی ترسیم می‌شود.

این پژوهش بر آن است تا متون منتشر شده در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم در ایران را اعم از مقاله، پایان‌نامه، کتاب و غیره بررسی نماید. مطالعات صورت گرفته بیانگر آن است که پژوهش‌های مربوط به طبقه‌بندی علوم با رویکردهای مختلف انجام شده است. بر این اساس می‌توان مطالعات انجام شده را در مقوله‌های مختلف دسته‌بندی و تنظیم کرد. دسته‌بندی بعضی از گروه‌ها به دلیل فراوانی مطالعات انجام شده در آن زمینه و بعضی دیگر به دلیل اهمیت رویکرد مورد بررسی صورت گرفته است. در ادامه گزیده‌ای از این پژوهش‌ها در قالب گروه‌های زیر ارائه می‌گردد.

مطالعاتی که به تشریح طبقه‌بندی علوم از نظر یکی از فلاسفه پرداخته‌اند

گروهی از مطالعات در خصوص طبقه‌بندی علوم به روش سندی به شرح و تفسیر دیدگاه یکی از فلاسفه پرداخته‌اند، پژوهش‌های اولیه از جمله مقالات جمال‌پور (۱۳۶۱)، جهانگیری (۱۳۶۷) آملی و کریمی‌زنجانی‌اصل (۱۳۸۰) و زکی (۱۳۸۰) به شیوه‌ی توصیفی طبقه‌بندی علوم توسط کندی[1]، فرانسیس‌بیکن[2]، آملی و ابن خلدون را به تفسیر بیان نموده‌اند، بدون این‌که به تحلیل و ارزیابی این تقسیم‌بندی‌ها بپردازند. پژوهش‌های بعدی با نگاه تحلیلی طبقه‌بندی علوم از دیدگاه یکی از فلاسفه را بیان نموده‌اند. رضایی (۱۳۸۳) به بررسی، تحلیل و نقد دیدگاه ابن‌سینا درباره‌ی طبقه‌بندی علوم پرداخت و بیان داشت ابن‌سینا دو طبقه‌بندی برای علوم عرضه کرده است که یکی از آن‌ها الگوبرداری از طبقه‌بندی ارسطو و دیگری طبقه‌بندی مختار[3] اوست، هر دو طبقه‌بندی کارایی لازم را ندارد و جامع‌ومانع نیست که به‌منظور اصلاح آن باید بنیان‌های اصلی‌اش فرو ریخته و بنیانی نوساخته شود. در حالی که مستقیمی (۱۳۸۷) با گذری اجمالی بر تاریخچه و فواید طبقه‌بندی علوم و مطرح نمودن پاره‌ای از دیدگاه‌های فلاسفه‌ی شرق و غرب در این زمینه تلاش نمود تا ویژگی‌ها و نقاط برجسته‌ی تقسیم‌بندی ابن‌سینا را بیان کند و به تبیین بعضی از زوایای آن بپردازد، وی به این نتیجه رسید که طبقه‌بندی ابن‌سینا به لحاظ پاسخ‌گویی به پرسش‌های اساسی حائز اهمیت است و عنوان کرد که این طبقه‌بندی از ویژگی‌هایی نظیر ارزشی بودن، عقلانی بودن، جامع‌ومانع بودن برخوردار است و ضمن ارائه‌ی تفکیک بین علوم، ارزش‌های آن‌ها را رتبه‌بندی می‌کند. پژوهش دیگری در مورد طبقه‌بندی علوم از ابن‌سینا توسط کدیور (۱۳۸۷) انجام گرفت، وی در بخش اول طبقه‌بندی حکمت را به‌صورت مرور پیشینه شرح داد، سپس محتوای رساله‌ی اقسام‌الحکمه که مشهورترین اثر ابن‌سینا است را تحلیل کرد و در بخش سوم با بیان نکات مثبت رساله‌ی مذکور به بررسی آن در طبقه‌بندی حکمت پرداخت.

---

1. Kennedy
2. Francis Bacon
۳. طبقه‌بندی که از طبقه‌بندی‌های دیگر الگوبرداری نشده و به اختیار واضع طبقه‌بندی انجام شده است و تحت اراده‌ی اوست.

کرامتی (۱۳۸۷) به نخستین آثاری که درباره‌ی فارابی بر طبقه‌بندی علوم در دوره‌ی اسلامی نوشته شده پرداخت، سپس تأثیر دیدگاه‌های وی بر سنت علمی لاتینی و عبری[۱] طبقه‌بندی علوم را بررسی نمود. میرعلی (۱۳۸۹) به بیان دیدگاه غزالی در مورد طبقه‌بندی علوم پرداخت. «طبقه‌بندی دانش‌های عقلی یا گونه‌های فلسفه» برگردان یکی از کوتاه‌نوشته‌های خواجه نصیرالدین‌طوسی با عنوان اقسام‌الحکمه است که توسط اوجبی (۱۳۹۰) ترجمه شده است. میرجعفری، منتظرالقائم و خزائیلی (۱۳۹۰) به معرفی کتاب جوامع‌العلوم پرداختند، آنان این کتاب را مجموعه‌ای از علوم مختلف که توسط ابن‌فریغون[۲] با هدف آموزش دیوانیان[۳] در نیمه دوم قرن چهارم هجری و تأکید بر جنبه‌های کاربردی علوم تدوین شده معرفی کردند و در پایان به این نتیجه رسیدند که وضعیت جامعه اسلامی در زمانه‌ای که ابن‌فریغون در آن می‌زیست دوران گذار خود را طی می‌کرد و علوم هنوز به تکامل و پختگی لازم نرسیده بود همچنین تا آن زمان هنوز ملاک و سنجه‌ی مشخصی در زمینه طبقه‌بندی علوم وجود نداشت، در نتیجه ترسیم شاخه‌های مختلف علوم به‌درستی تکوین نیافته بود. خزائیلی‌نجف‌آبادی (۱۳۹۱) ضمن بررسی احوال و اندیشه‌های جابربن‌حیان به بررسی شاخص‌های طرح طبقه‌بندی او پرداخت، همچنین تأثیر طبقه-بندی وی را در جریان طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی بررسی کرد.

نوروزی و عابدی (۱۳۹۱) با روش توصیفی-تحلیلی به تعیین دیدگاه علامه طباطبایی بر اساس انواع علم پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که توجه به انواع علم از دیدگاه علامه طباطبایی می‌تواند در تدوین محتوای غنی برای آموزش دانش‌آموزان مفید واقع شود. «ابن‌خلدون و تقسیم‌بندی ارسطویی علوم» توسط صبوریان (۱۳۹۲) نوشته شده است. وی به چگونگی خروج ابن‌خلدون از چارچوب رایج تقسیم علوم پرداخت و نشان داد هر چند که علم عمران شباهت‌هایی با علوم جدید دارد اما از حیث روش به کلی از علوم جدید متمایز است. آخرین اثر نگاشته شده با این رویکرد از طاهری‌عراقی (۱۳۶۳) است که به بررسی تقسیم‌بندی علوم از نظر غزالی پرداخته است.

مطالعاتی که به بررسی سیر تاریخی طبقه‌بندی علوم و جایگاه طبقه‌بندی‌های اسلامی پرداخته‌اند

در قلمرو تمدن اسلامی رده‌بندی مورد توجه بسیاری از دانشمندان و فلاسفه مسلمان بوده است و از اواسط

۱. دیدگاه‌های فارابی با ترجمه‌ی کتاب احصاءالعلوم به لاتین و نوشتن کتاب‌هایی بر اساس این کتاب توسط اندیشمندان اروپایی بر اروپای سده‌ی میانه تأثیر گذاشت.

۲. شعیابن‌فریغون شاگرد ابوزیداحمدبن‌سهل‌بلخی، دانشمند و جغرافیدان ایرانی (قرن سوم و چهارم ق) بوده است. جوامع‌العلوم را برای امیر ابوعلی‌احمدبن‌محمدبن‌مظفر، حاکم جوزجان تألیف کرده است.

۳. منسوب به دیوان، منسوب به بارگاه و دربار پادشاه، افراد شاغل در دستگاه حکومت دولتی و صاحب منصب حکومت و قضاوت

قرن دوم تاکنون طبقه‌بندی‌های مختلفی از علوم ارائه شده است. بر این اساس پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، شهریاری (۱۳۶۰) مقاله‌ای با عنوان طبقه‌بندی دانش‌ها ترجمه کرد که با تشبیه دانش به شعاع نور طرحی کلی از مسیر اصلی حرکت تاریخی دانش از گذشته تا حال و همچنین آینده به خوانندگان ارائه می‌دهد. محقق (۱۳۷۰) به معرفی عمده‌ترین کتب تدوین شده در تقسیم‌بندی علوم از روزگار فارابی تا ملاصدرا پرداخته است. «طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام» اولین نوشته‌ی کامل به لحاظ سیر تاریخی طبقه‌بندی علوم توسط فلاسفه مسلمان به زبان فارسی است که توسط رفیعی‌علامه (۱۳۷۳) نگاشته شده است. وی به اهمیت طبقه‌بندی علوم اسلامی به‌منظور جلوگیری از هرگونه ناهمگونی و رشد نامتناسب شاخه‌های علم اشاره می‌کند، به تقسیم علم توسط پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) پرداخته و ضرورت طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام را هم‌زمان با آغاز نهضت ترجمه یعنی از اواخر سده‌ی دوم هجری (هشتم میلادی) می‌داند که در آغاز مبنای طبقه‌بندی آن‌ها همان طبقه‌بندی ارسطو بود.

حبیبی (۱۳۷۴) بررسی عوامل پیوند میان علوم را مانند بیان تمایز علوم امری ضروری می‌داند، به‌ویژه برای علمای مسلمان که بر مبنای وحدت به تفسیر هستی می‌پردازند و تلاش می‌کنند که از کثرت بگذرند و به وحدت بازگردند. «رساله در تقسیم‌بندی علوم و احوال دانشمندان نامدار مولانا سلطان محمودبن غلامعلی طبسی» توسط رستم‌پورملکی و روحی‌دل (۱۳۷۵) ترجمه شده است که طبقه‌بندی علوم را در دو بخش دانشمندان قبل از اسلام و بعد از اسلام آورده است. همچنین به معرفی کوتاه دانشمندان برجسته در هر یک از رشته‌های علمی پرداخته است، رساله مذکور از اهمیت خاصی در بررسی آرای علمای طبقه‌بندی علوم در اسلام برخوردار است و به لحاظ کاربرد آن در نمایه‌سازی موضوعی به‌ویژه در حوزه‌ی نسخه‌های خطی و تطبیق با نمایه‌سازی موضوعی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی جدید حائز اهمیت است.

«طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان» نوشته‌ی عثمان بکار توسط جواد قاسمی در سال ۱۳۸۱ ترجمه شده است. کتاب مذکور نخستین اثری است که به شیوه‌ای محققانه و در عین‌حال به زبانی جدید به این موضوع می‌پردازد. این اثر منبع مهمی برای درک بهتر برخی از جنبه‌های تفکر اصیل و دیرینه‌ی اسلامی است. عثمان بکار اهمیت موضوع طبقه‌بندی را مطرح می‌کند و به بررسی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط سه متفکر علم یعنی فارابی، غزالی و قطب‌الدین شیرازی می‌پردازد. مفتونی و فرامرزقراملکی (۱۳۸۳) به رهیافت‌هایی که دانشمندان مسلمان در شناخت علوم به دست آورده‌اند اشاره می‌کنند ضمن این‌که قدیمی‌ترین اشاره به علم را از ارسطو می‌دانند. آنان دستاوردهای دانشمندان مسلمان را در علم‌شناسی به تفصیل بیان می‌کنند و دانش‌شناسی آن‌ها را در چهار دستاورد شامل منطقی، فلسفی، تطبیقی و تاریخی شرح می‌دهند. محمدنیا (۱۳۸۴) ابتدا طرح رده‌بندی ارسطو

و ایرادات وارد بر آن‌را بیان نمود، سپس به معرفی دانشمندانی که در زمینه طبقه‌بندی دانش طرح‌هایی ارائه داده‌اند پرداخت.

«*تاریخ تحولات طبقه‌بندی*» ترجمه‌ی حسینی (۱۳۸۹) است. این پژوهش ضمن بیان لزوم برجسته نمودن جایگاه مسلمانان در تاریخ علوم به مسلمانان و آنچه مسلمانان به زبان‌های عربی می‌نوشتند توجه دارد. «طبقه‌بندی در تاریخ» تألیف کیانی‌فرید (۱۳۹۰) ابتدا به تقسیمات علوم از منظر اندیشمندان متقدم پرداخت، سپس ملاک تقسیم علم به نظری و عملی را بیان نمود. بابایی (۱۳۹۳) بیان می‌دارد دانش از جمله دانش‌های اسلامی را می‌توان بر اساس نیازهای انسانی و نظام خلأها و خواسته‌های بشری طبقه‌بندی کرد، وی بر لزوم ارتباط دوسویه میان حوزه‌ی عمل و نظر و حتی تقدم عمل بر نظر در سطوح تمدنی تأکید نمود. طاهری (۱۳۹۴) به چگونگی شکل‌گیری طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی تا پایان قرن هشتم پرداخته است و عواملی که باعث گرایش جدی مسلمانان به طبقه‌بندی علوم شد و نیز به روابط بین طبقه‌بندی‌های علوم و سیاست حکومت‌ها و تمدن‌ها پرداخت.

مطالعاتی که به جایگاه حوزه‌ای خاص در طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند

برخی از آثار به جایگاه حوزه‌ای خاص از علوم در میان دیگر دانش‌ها از نظر حکما و فلاسفه پرداخته‌اند. قوام‌صفری (۱۳۷۲) به بررسی جایگاه الهیات در طبقه‌بندی ارسطو از علم پرداخت و عنوان کرد که دانش نظری ارسطو گاه الهیات، گاه فلسفه اولی و گاه متافیزیک یا مابعدالطبیعه نامیده می‌شود. اسلام‌پور (۱۳۸۸) ضمن تبیین و توجیه جایگاه علوم عقلی در میان دیگر دانش‌ها دیدگاه فارابی، غزالی و قطب‌الدین شیرازی را در خصوص جایگاه علوم عقلی در میان دیگر علوم آورده است. «از تقسیم علوم تا تدبیر علوم» از موحدابطحی (۱۳۹۰) که به تأثیر طبقه‌بندی‌های صورت گرفته از علوم بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها پرداخته است و جایگاه علوم انسانی در طبقه‌بندی‌های گذشته را بررسی نموده است و به نبود جایگاهی برای علوم انسانی در طبقه‌بندی‌های گذشته اشاره کرده است. حسینی (۱۳۹۰) پایه‌ریزی علوم اجتماعی توسط ابن‌خلدون در تمدن اسلامی را شرح داد و جهت شناسایی جایگاه علوم اجتماعی در هندسه‌ی معرفتی تمدن اسلامی و مقایسه تطبیقی علومی که در تمدن اسلامی به مسائل اجتماعی پرداخته‌اند به بررسی طبقه‌بندی‌های ارائه شده توسط حکمای مسلمان در باب علم در تمدن اسلامی پرداخت. شریعت‌پناهی (۱۳۹۳) با رویکردی متمایز به‌منظور تعیین روش لازم جهت کسب تخصص و مراتب تدریس علم طب برای استاد و دانشجو به تعیین جایگاه علم طب در طبقه‌بندی علوم پرداخت و به این نتیجه رسید که علم طب در گروه علوم غیردینی قرار دارد و زیرمجموعه‌ی علوم طبیعی می‌باشد. همچنین در حوزه‌ی حکمت نظری و علوم آلی رده‌بندی شده است. بوذری‌نژاد و خسروی (۱۳۹۳) جایگاه دانش‌های شرعی

را از دیدگاه فارابی، غزالی و خواجه‌نصیرالدین طوسی مورد بررسی قرار داد و به تلقی دینی از همه‌ی علوم و سازگاری معرفتی بین علوم شرعی و غیرشرعی پرداخته‌اند. نوری (۱۳۷۵)، علی‌زاده (۱۳۷۹)، حقیقت (۱۳۸۳)، ذاکر (۱۳۸۹)، عالمی و صفری‌فروشانی (۱۳۹۱) و صدقی (۱۳۹۵) نیز طبقه‌بندی علوم را با چنین رویکردی بررسی کرده‌اند و جایگاه سیاست، عرفان، دانش سیاسی، دانش پزشکی، دانش انساب‌نگاری و علم تاریخ را در طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط دانشمندان علوم اسلامی مشخص کرده‌اند.

مطالعاتی که به بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند

ثقفی (۱۳۸۱) ضمن بیان ملاک‌های تقسیم‌بندی علوم نمونه‌هایی از تقسیم‌بندی‌ها بر مبنای این ملاک‌ها را از فلاسفه جهان اسلام آورده است. کاکایی (۱۳۸۴) معیارهای طبقه‌بندی علوم را بررسی نمود و قول مشهور مبنی بر تمایز موضوعات به‌عنوان معیار تمایز علوم و نیز رابطه‌ی موضوع علم با عرض ذاتی[1] را مورد نقد و بررسی قرار داد و دریافت که ملاک وحدت و تمایز علوم اعتباری[2] وحدت و تمایز هدف و غایت است و ملاک وحدت و تمایز علوم حقیقی وحدت و تمایز موضوع آن‌هاست و بیان داشت بحث عرض ذاتی مربوط به علوم حقیقی برهانی است و در سایر علوم نمی‌توان به آن پرداخت. «چگونه طبقه‌بندی شکل می‌گیرد؟» مقاله‌ای است از فدایی (۱۳۹۰) وی به بررسی تأثیر جهان‌بینی بر طبقه‌بندی علوم و تأثیر متقابل طبقه‌بندی علوم بر معرفت‌شناسی انسان اشاره نمود و طبقه‌بندی‌ها را به لحاظ سرشاخه‌ها بر اساس نوع نگاه به جهان، موضوع، روش، غایت یا کاربرد به تفصیل شرح داد. مفتونی و فرامرز قراملکی (۱۳۸۳) ضمن بیان سیر تاریخی طبقه‌بندی علوم توسط فلاسفه ملاک‌های طبقه‌بندی را مورد بررسی قرار داده‌اند. اکرمی (۱۳۸۹) نیز در مطالعه تطبیقی خود از طبقه‌بندی علوم ملاک‌های طبقه‌بندی علوم را به تفصیل شرح داده است. آرضایی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی خود به طبقه‌بندی علوم و بررسی مبانی و ملاک‌های آن از دیدگاه ابن‌سینا پرداخت. لاریجانی (۱۳۹۱) به بحث ملاک‌های تمایز علوم پرداخته است و چهار نظریه را در این زمینه مطرح می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که وحدت علوم اعتباری و تمایز آن‌ها به خود مسائل آن‌هاست. مصطفوی‌فرد (۱۳۹۵) الگوهای تمایز علوم از جمله الگوی سنخیت‌محور، غایت‌محور و همچنین

---

۱. عرض ذاتی اصطلاحی است که در علم منطق بکار رفته است. عرضی است که مساوی با معروض باشد و یا این‌که به واسطه‌ای که آن واسطه مساوی با ذات است، بر آن عارض شود. اعم از این‌که واسطه‌ی داخل در معروض باشد و یا خارج از آن.

۲. علوم اعتباری در مقابل علوم حقیقی قرار دارند. با هدف و منظور خاص توسط افراد وضع می‌شوند، با بایدها و نبایدها سروکار دارند و واضع و هدف او موضوعیت دارد و عمل به آن‌ها مطرح است.

الگویی تلفیقی را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد در نهایت این الگوها جای خود را به رویکرد قراردادگرا[1] دادند و مبنای تفکیک علوم از یکدیگر با توجه به غرض تدوین متفاوت است.

مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی

لک‌زایی (۱۳۸۷) در یک مطالعه تطبیقی دیدگاه دو تن از بزرگان حکمت متعالیه یعنی صدرالمتألهین و امام خمینی (ره) را مورد بررسی قرار داد و بیان داشت ملاصدرا تمام علوم و معارف را در شبکه و منظومه‌ای خاص دینی و الهی می‌دید و بر این اساس علوم اخروی و الهی و حکمت نظری را بر علوم دنیوی و حکمت عملی مقدم می‌دانست، از نظر وی طبقه‌بندی علوم از دیدگاه امام خمینی (ره) نیز مبتنی بر انسان‌شناسی ویژه‌ی ایشان است که انسان را دارای سه نشئه و صاحب سه مقام و عالم می‌دانست و سایر علوم را داخل در یکی از این سه اقسام به حساب می‌آورد. او سپس به نقد دیگر طبقه‌بندی‌ها از دیدگاه امام خمینی پرداخت و به این جمع‌بندی رسید که باید در نگاه به علوم و تأسیس رشته‌ها از منظر مفید بودن آن‌ها برای فرد و جامعه غافل نشویم و ملاک این فایده‌مندی تقویت هر سه مرتبه وجودی انسان است. مقاله اکرمی (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی تطبیقی طبقه‌بندی‌های علوم در تمدن اسلامی» به شیوه‌ی تحلیلی طبقه‌بندی‌ها را مورد بررسی قرار داده است و به ارزیابی و نقد مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های اسلامی پرداخته است، همچنین ملاک‌های طبقه‌بندی علوم را شرح داده است و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را نشان می‌دهد. وی با بررسی طبقه‌بندی‌های حکمای مسلمان از علوم به این نتیجه رسید که طبقه‌بندی علوم سیر و چگونگی تعالی و تکامل معرفت بشر را نشان می‌دهد و می‌تواند درباره نحوه‌ی تعلیم این علوم به ما کمک کند. از دیدگاه وی طبقه‌بندی علم به تفکیک و یا ترکیب مسئله‌های یک علم در صورت نیاز تمدن‌ها راهگشاست. این پژوهشگر تحقیق درباره‌ی طبقه‌بندی را به لحاظ کمک به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ضروری عنوان کرد. چراکه از نظر وی منظور از طبقه‌بندی روابطی است که علوم با یکدیگر دارند. طبقه‌بندی علوم نشان‌دهنده وجوه تمایز و تعدد علوم در کنار وحدت حقیقی علوم است.

«تأملی در امکان طبقه‌بندی» علوم نوشته ناظمی‌قره‌باغ (۱۳۹۰) با دید مقایسه‌ای طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط ارسطو، کنت[2] و فارابی را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی بیان می‌دارد طبقه‌بندی علوم زمانی رخ

---

۱. رویکرد قراردادگرا در رابطه با تمایز علوم است. به دلیل ضعف شیوه‌های تمایز علوم از قبیل موضوع‌محور، غایت‌محور، سنخیت‌محور و پس از آن الگوهای تلفیقی رویکرد قراردادگرا جایگزین شد. این رویکرد علم را مجموعه‌ای از مسائل مشتته می‌داند که جامع آن‌ها گاه ممکن است به دلیل سنخیت در ذات باشد (مثل موضوع) و گاه ممکن است به دلیل امری عرضی باشد (مثل غایت).

1. Comte

می‌دهد که فرد طبقه‌بندی کننده در زمان و تاریخ مناسب یعنی در زمان قوام یافتن عالم و علوم به تفکر بپردازد و خود نیز بخشی از همین عالم باشد. خزائیلی، منتظرالقائم و میرجعفری (۱۳۹۱) به مقایسه‌ی طبقه‌بندی‌های ایجاد شده از علوم توسط فخرالدین رازی و شمس آملی و تأثیر و اهمیت دیدگاه‌های فکری-کلامی و شرایط تاریخی این دانشمندان در طبقه‌بندی‌های علوم پرداختند و طبقه‌بندی‌های مذکور را دارای نقاط اشتراک و افتراقی هم در نوع نگرش به علم و هم در ترتیب رده‌بندی علوم دانستند و در نهایت به این نتیجه رسیدند که هر دو طبقه‌بندی دارای نوآوری‌هایی در زمینه طبقه‌بندی علوم بوده‌اند و هر یک در مقطع تاریخی خود در جریان تاریخ‌نگاری علم تأثیراتی بجا نهاده‌اند. مقایسه این دو طبقه‌بندی با یکدیگر به‌خوبی نشان می‌دهد که نحله‌ها و دیدگاه‌های کلامی و شرایط تاریخی و فکری هر یک از این دو دانشمند در طبقه‌بندی آن‌ها از علم و نگرش ایشان درباره‌ی علوم تأثیرگذار بوده است و باعث ارائه‌ی طبقه‌بندی‌های متفاوت در تاریخ علم مربوط به تمدن اسلامی شده است.

طالعی، کریمی و عباداله عموقین (۱۳۹۲) پیشینه‌ای از طبقه‌بندی‌های صورت گرفته از علوم از سده‌ی چهارم تا چهاردهم ارائه نمودند و در ادامه پس از ذکر شرح حال و آثار صدرالافضل تبریزی به معرفی رساله‌ی ایضاح‌الادب وی که به طبقه‌بندی علوم اختصاص دارد و نیز شیوه‌ی تقسیم‌بندی او پرداختند در انتها نیز تحلیلی تطبیقی از دیدگاه‌های صدرالافضل و دیگر دانشمندان از جمله فارابی، خوارزمی و طاش کوپری‌زاده در طبقه‌بندی علوم توسط این پژوهشگران ارائه شده است. آنان تقسیم‌بندی صدرالافضل را به‌عنوان چاره‌ای برای خنثی کردن اثرگذاری میراث فکری غیر اسلامی بر فرهنگ اسلامی دانستند و عنوان کردند که چرا با توجه به سابقه‌ی هزارساله دانشمندان مسلمان در طبقه‌بندی علوم هیچ‌کدام از طبقه‌بندی‌ها مبنای تحلیل مفهومی و رده‌بندی دانش قرار نگرفته است و مبنای رده‌بندی منابع اسلامی از طرح‌های رده‌بندی غربیان نشأت گرفته است. امیری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ی خود به‌طور مبسوط به مقایسه‌ی تقسیم‌بندی علوم توسط ارسطو، فارابی، اخوان‌الصفا و ابن‌سینا پرداخته است. جوکار (۱۳۹۴) به شرح دوگانگی دو طبقه‌بندی اخوان‌الصفا و خلان‌الوفا می‌پردازد، همچنین به تبیین دیدگاه و نقش اخوان‌الصفا در دسته‌بندی علوم اسلامی می‌پردازد.

مطالعاتی که به اولویت‌بندی علوم پرداخته‌اند

بررسی پژوهش‌های انجام شده در مورد طبقه‌بندی علوم نشان می‌دهد تنها پژوهشی که به اولویت‌بندی علوم پرداخته است «دانش و ارزش در طبقه‌بندی علوم» نوشته‌ی عطائی‌آشتیانی و خلیلی (۱۳۸۲) است که به لحاظ بررسی جایگاه علم و دین و ارائه‌ی طبقه‌بندی‌های سه‌گانه‌ای در خصوص این دو حوزه می‌تواند در طبقه‌بندی علوم و اولویت‌های هر حوزه اثرگذار باشد، به این معنا که در علوم جدید به دلیل مبنای ماتریالیستی اولویت با سه

بخش فلسفه‌ی علم (مبانی نظری)، زیرساخت علم (مراحل کاربردی) و علوم تجربی است، در حالی که در مدل پیشنهادی فرهنگ ارزش، فلسفه‌ی بینش و زیرساخت دانش اولویت‌های طبقه‌بندی علوم را تشکیل می‌دهد. آنان به این نتیجه رسیدند که جامعیت سیستم‌های نظری و کاربردی از جمله علم هنگامی ثابت می‌شود که هر سه عامل فرهنگ علم یا خاستگاه ارزشی علوم، فلسفه‌ی علم یا جایگاه منطقی علوم و زیرساخت علم به ترتیب در آن حضور داشته و جایگاه آن مشخص شده باشد.

مطالعاتی که جایگاه ایران را در طبقه‌بندی علوم مدنظر قرار داده‌اند

کتاب تاریخ علم در ایران توسط فرشاد (۱۳۶۵) نگاشته شده است، این کتاب چند جلدی است و درباره‌ی تاریخ علم و فن نگاشته شده است، وی در بخش‌هایی از این کتاب به طبقه‌بندی علوم پرداخته است و به نخستین طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در ایران اشاره کرده است. همچنین طبقه‌بندی‌های اولیه در ایران پس از اسلام را شرح داده است. در این کتاب نگارنده به بیان طبقه‌بندی فارابی به‌عنوان اولین طبقه‌بندی صورت گرفته پرداخته است.

سالاری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «از رده‌بندی ارسطویی تا رده‌بندی ایرانی» ضمن اشاره به رده‌بندی ارسطویی درباره‌ی جانداران و رده‌بندی آن‌ها در کتاب کهن بندهش به اهمیت پرداختن به دانشمندان و تاریخ دانش در ایران اشاره می‌کند وی غفلت از چهره‌های دانشی کشور را اندوه‌بار و اشاره به طبقه‌بندی‌های دانشمندان ایرانی در کنار رده‌بندی ارسطو و فلاسفه دیگر را حائز اهمیت دانست.

جلالی (۱۳۹۱) در «طبقه‌بندی علوم با رویکرد اسلامی ایرانی» ضرورت شناسایی الزامات و مختصات پارادایم جدید را در طبقه‌بندی علوم بیان نمود. وی نقد تاریخی را به‌عنوان سرآغاز شکل‌گیری تقسیم علوم عنوان کرد و تقسیم دانش را تحت تأثیر دیدگاه‌های پیشین و منابع تاریخی و سپس تبیین وضعیت موجود دانست. بنابراین در کنار نقد تاریخی از علوم در تمدن اسلامی وضعیت کنونی آن‌را در ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی بررسی نمود و به این نتیجه رسید که توجه به گسست میان دانش و آیین حکمت بومی برای دستیابی به یک طبقه‌بندی پاسخگو لازم است و برای نیل به این مهم ضرورت دارد تاریخ کلاسیک علوم در جهان اسلام تدوین شود. از دیدگاه وی، برای پایه‌ریزی یک رده‌بندی جامع باید به نظریه‌ی مناسب آیین و فلسفه‌ی بومی خودمان برگردیم و داده‌های مخصوص، تجربیات و ادراکات دینی و آورده‌های گسترده در فلسفه ایرانی را در خلال سده‌های گذشته کم‌اهمیت ندانیم.

مطالعاتی که به بررسی رابطه‌ی طبقه‌بندی علوم و سازماندهی دانش در کتابخانه‌ها پرداخته‌اند

مطالعه‌ی رده‌بندی دانش و رده‌بندی کتابخانه‌ای یکی از رویکردهای پژوهش به طبقه‌بندی علوم است،

در این مطالعات انطباق رده‌بندی‌های کتابخانه‌ای با تقسیم‌بندی علوم مورد توجه قرار گرفته است. حقیقی (۱۳۶۶) به مرور رده‌بندی نظری و عملی پرداخت و مهم‌ترین ویژگی رده‌بندی عملی (رده‌بندی کتابخانه‌ای و کتابشناختی) را پیوند با طبقه‌بندی علوم دانست. همچنین میزان وابستگی و انطباق رده‌بندی‌های عملی و نظری را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که تنظیم دانش مکتوب با توجه به ویژگی‌های کتب به‌ناچار برخی تفاوت‌ها را نسبت به رده‌بندی خود دانش که در واقع رده‌بندی مفاهیم مجرد است ایجاب می‌کند اما این دو رده‌بندی در اصول یکسان هستند و همانندی‌های بسیاری بین آن‌ها وجود دارد. داودی (۱۳۷۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقدمه‌ای بر جنبه‌های نظری رده‌بندی» رده‌بندی را به دو نوع رده‌بندی دانش و رده‌بندی کتابخانه‌ای تقسیم نموده است که در میان‌ساخت کلی این رده‌بندی‌ها وجوهی از تشابه دیده می‌شود. وی ابتدا تاریخچه‌ای از رده‌بندی بیان نمود، سپس وضعیت علوم در جهان اسلام و اروپا را در قرون وسطی و رنسانس شرح داد و دریافت که رده‌بندی‌هایی که کتابداران در اواخر سده نوزدهم و بیستم توسعه دادند از نقطه‌نظر تقسیمات فرعی قابل توجه است. فلاسفه و دانشمندان در طول تاریخ تقسیم‌بندی‌های مختلفی از علوم بشری به دست داده‌اند و با پیشرفت علوم و نظریات جدید علمی و فلسفی تئوری رده‌بندی تحت تأثیر رده‌بندی دانش بوده است.

رزمجو (۱۳۷۶) به پاره‌ای از نقایص طبقه‌بندی‌های متداول کنگره و دیویی که هم‌اکنون در کتابخانه‌های ایران اعمال می‌شود اشاره می‌کند و امکان جرح‌وتعدیل و گسترش و انطباق این طبقه‌بندی‌ها را با تقسیم‌بندی علوم در متون اسلامی و ایران مورد بحث قرار داده است. وی به این نکته اشاره کرده است که تاکنون دانشمندان ناموری در جهان اسلام در زمینه تقسیم‌بندی دانش‌های بشری کوشش‌های فراوانی به‌عمل آورده‌اند و آثار ارزشمندی بجا گذاشته‌اند آثاری که جهان غرب از آن‌ها در تدوین نظام عملی مربوط به فن کتابداری و تقسیم‌بندی علوم و معارف بشری سود جسته است و طبقه‌بندی‌های مشهوری چون دیویی و کنگره را به وجود آورده است. یعقوب‌نژاد (۱۳۹۰) ضمن بررسی چالش‌های پیش‌رو در خصوص طبقه‌بندی علوم درصدد رفع ابهامات و ارائه راهکارهایی تازه فراروی تدوین طبقه‌بندی علوم برآمده است. در این اثر انتقادهای کتابداران از رده‌بندی‌های موجود و ارائه پیشنهادهای جدید برای طبقه‌بندی آمده است. «سازماندهی دانش نقد و تحلیل اجتماعی- تاریخی» توسط اندرسون[1] (۱۳۹۱) ترجمه شده است که به بررسی نسبت طبقه‌بندی علوم و سازماندهی دانش با سازماندهی اجتماعی می‌پردازد. در بخش اول این مقاله با استفاده از نظریات فوکو[2]، نقد و تحلیل اجتماعی- تاریخی از سازماندهی دانش ارائه شده است تا نشان داده شود که این رشته چه فهمی از خود دارد. همچنین خودآگاهی این

1. Jak Anderson
2. Foucault
3. Public Sphere

رشته در چارچوب مطالعه موردی سازماندهی دانش در کتابخانه‌های عمومی در اوایل قرن بیستم در دانمارک بررسی شده است. در بخش دوم با تأکید بر نظریه یا مفهوم سپهر (حوزه) عمومی[1] هابرماس[4]، درباره موضوع انطباق و تناظر سازمان جامعه و سازماندهی دانش، مباحثی مطرح شده است. این تحلیل می‌تواند پژوهش سازماندهی دانش را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌را وسعت بخشد، هر چند این نوع تحلیل و نقد کاربرد سازماندهی دانش را به‌عنوان یک ابزار تکنولوژیکی بسط نمی‌دهد اما ثابت می‌کند که سازماندهی دانش یک رشته نظری و دانشگاهی است که نیاز دارد در جایگاه صحیح خودش مورد مطالعه قرار گیرد.

مطالعاتی که با رویکرد فلسفی به طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند

کتاب «مبانی نظری روش طبقه‌بندی علوم» نوشته‌ی (میرباقری، ۱۳۹۲) در خصوص فلسفه تطبیقی است که در آن شیوه‌های موجود در طبقه‌بندی مطرح شده است. همچنین مشخص شده است که این شیوه‌ها بر اساس کدام مبانی به طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند سپس اشکالات این شیوه‌ها مطرح و در پایان شیوه مطلوب ذکر شده است. مصطفوی‌فرد (۱۳۹۳) به بیان چیستی، پیشینه، ضرورت، هدف، انواع، اصول و در نهایت الگوهای مختلف طبقه‌بندی پرداخته و این مباحث را زمینه‌ای برای ارائه‌ی طرح‌های جدید در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم می‌داند و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که طبقه‌بندی ابزاری کارآمد برای شناخت و معرفت است و علم چیزی جز طبقه‌بندی نیست که حاصل آن تکثیر واحد و توحید تکثیر[2] است. مؤمنی (۱۳۹۴) به بررسی انواع طبقه‌بندی‌های علوم با توجه به نگاه اول[3] واضع طبقه‌بندی‌ها و نوع هستی‌شناسی‌ها و معرفت‌شناسی آن‌ها می‌پردازد. رشاد (۱۳۹۵) منطق خود را برای تفکیک و طبقه‌بندی علوم بیان می‌کند و مسئله‌ی طبقه‌بندی علوم را از مباحث اساسی فلسفه‌ی عام و مشترک علوم به‌شمار می‌آورد و این بحث را از فروع مبحث هویت‌شناسی علم و مبتنی بر مسئله‌ی ملاک وحدت و تمایز علوم قلمداد می‌کند. فدایی (۱۳۹۵) ضمن نقد کتاب زوستاک[4] (۱۳۹۵) به ضرورت توجه به طبقه‌بندی در ابعاد مختلف مانند پدیده‌ها، داده‌ها، نظریه‌ها، روش‌ها و رویه‌ها تأکید می‌کند و کتاب مذکور را مبتنی بر مسائل محوری علم و طبقه‌بندی قلمداد می‌نماید و می‌گوید این کتاب به بحث میان‌رشته‌ای علوم تأکید دارد.

4. Habermas

۱. تکثیر واحد، تمایز علوم و توحید تکثیر وحدت علوم است.

۲. مهم‌ترین اصل در طبقه‌بندی علوم، نگاه اول یا برش اول واضع آن طبقه‌بندی است که نشان از محیط پیرامون، مبانی معرفتی و شناختی واضع و عقاید هستی‌شناسانه او دارد.

3. Zostak

مطالعاتی که در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم به ارائه طرح پرداخته‌اند

فدایی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای به ارائه‌ی طرحی نو در طبقه‌بندی علوم پرداخت. طرح طبقه‌بندی وی از علوم با اتکا و استناد به آیات قرآن مجید و بر اساس تقسیم‌بندی دوگانه می‌باشد. در این طرح انسان و طبیعت به‌عنوان دو محور اصلی تلقی شده و تقسیمات فرعی زیر این دو محور آمده است. وی این طرح را بدین لحاظ که جدای از تقسیم‌بندی یونانی است و نشان‌دهنده تقسیم‌بندی‌های جداگانه‌ای توسط مسلمانان است حائز اهمیت دانست. در سال ۱۳۸۷ همین پژوهشگر مقاله‌ای با عنوان «طرحی نو برای رده‌بندی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی» به چاپ رساند و در سال ۱۳۸۷ کتابی با عنوان «طرحی نو در طبقه‌بندی علوم» به رشته تحریر درآورد.

مطالعات مربوط به پیوند میان طبقه‌بندی علوم با روابط میان‌رشته‌ای

«اهمیت بین‌رشته‌ای علوم: در ضرورت همکاری و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی» نوشته‌ی نوذری (۱۳۸۳) است که حاوی اصول، مبانی و مقدمات ضروری در بازاندیشی و ارزیابی جدیدی از مناسبات بین تاریخ و علوم اجتماعی است که به تحولات ایجاد شده در عرصه علم و دانش طی دو سده نوزده و بیست میلادی اشاره می‌کند و این تحولات را شامل تشدید و تقویت گرایش تقسیم کار بین علوم مختلف، سر برآوردن رشته‌های جدید و میل به‌سمت گرایش‌ها و حوزه‌های خرد و فرعی و از همه مهم‌تر تخصصی شدن علوم می‌داند. این تحولات به‌عنوان واکنشی در برابر جریان غالب آن زمان بود که بر عرصه علوم و معارف سیطره داشت، یعنی گرایش موسوم به وحدت کلیه‌ی علوم که ریشه و خاستگاه همه‌ی علوم یا دانش‌ها را به علم واحدی بازمی‌گرداند و تمامی علوم را برخاسته از رشته واحد یا مادر همه‌ی علوم می‌داند. وی عنوان کرد در نخستین سپیده‌دمان طلوع علم و دانش شاهد تلاش‌هایی در راستای رده‌بندی علوم و ماهیت و سرشتی ویژه برای آن‌ها و ارجاع آن‌ها به ریشه یا خاستگاهی واحد بوده و هستیم و تقسیم‌بندی‌های متعددی در خصوص رابطه با علم یا معرفت بشری شاهدیم. سیاری و فرامرزقراملکی (۱۳۸۹) پیدایش علوم و رشته‌های جدید، معضلات مربوط به رهیافت تحویلی‌نگری در عرصه علم[1] و دانش و ضرورت پیدایش مطالعات میان‌رشته‌ای را شرح دادند. آنان مطالعات میان‌رشته‌ای را از ضرورت‌های علوم انسانی دانستند و بیان داشتند علوم انسانی به دلیل پیچیدگی و چندضلعی بودن موضوع آن یعنی موجود انسانی نمی‌تواند به‌صورت علوم تک‌تباری بررسی شود و به این نتیجه رسیدند که رهیافت میان‌رشته‌ای در بسیاری از علوم و مسائل چندتباری می‌تواند به نحو هوشمندانه‌ای راهکارهای اساسی ارائه کند، همچنین علوم و

۱. منظور از تحویلی‌نگری، تحلیل پدیدارها یا مفاهیم به یکی از زیرمجموعه‌هایشان، یعنی یک پدیده را فقط به یکی از بخش‌ها، صفات، ویژگی‌ها و یا انواع آن تعریف کنیم. به‌عنوان مثال، تحویل رهیافت میان‌رشته‌ای به چند رشته‌ای برای درمان تحویلی‌نگری.

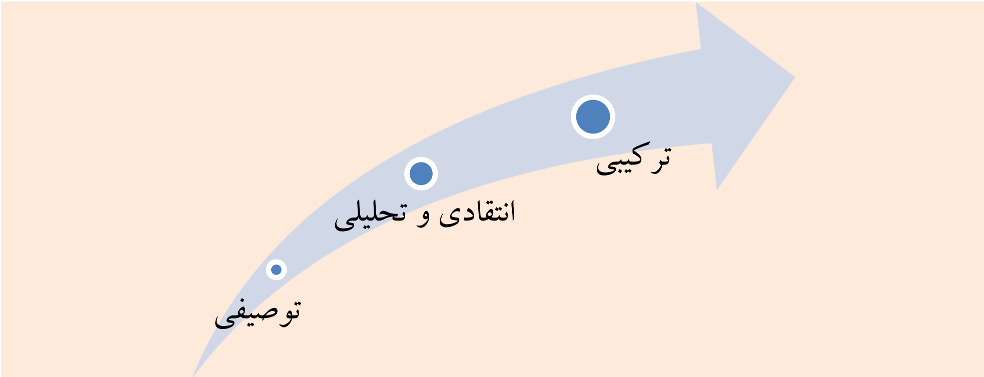
فنون جدیدی پا به عرصه نهاده‌اند که اساس و ذات آن‌ها چندرشته‌ای است و مسائل آن‌ها جز از طریق مطالعات میان‌رشته‌ای قابل بحث و بررسی نیست.

تحول علوم و مسائل جدید دسته‌ای از مطالعات مربوط به طبقه‌بندی علوم را به‌سمت مطالعات میان‌رشته‌ای سوق داده است و تقابل طبقه‌بندی علوم با روابط میان‌رشته‌ای را مطرح نموده است. بحرانی (۱۳۹۲) در مقاله خود با دیدگاهی متفاوت با سایر آثار به پیوند میان رشته و میان‌رشته در حوزه‌ی علوم و معارف با تقسیم‌بندی علوم و روابط اجتماعی–فرهنگی دانش پرداخته و بیان کرده، این‌که کدام معیار، معیار اصلی طبقه‌بندی علوم باشد گرایش دارندگان علوم به‌سمت رشته یا میان رشته را تعیین می‌کند. وی همچنین اشاره کرد تاریخ علوم تنها تاریخ پیدایش و افزایش تعداد رشته‌ها نیست بلکه تاریخ از بین رفتن مرز بین رشته‌هاست و میان‌رشته‌ای امری اجتماعی–فرهنگی است که به‌طور خاص خود را در سنت تقسیم‌بندی علوم نشان می‌دهد. وی اشاره کرد، طبقه‌بندی علوم کارکرد دوگانه‌ای دارد و طرح میان‌رشته‌ها به معنای طرد رشته‌ها نیست. بدون تطور تاریخی تقسیم‌بندی علوم نه می‌توان به تحول رشته‌ای دست یافت و نه می‌توان به تولید میان‌رشته‌ای نائل آمد، میان‌رشته‌ای در پی خدشه در مرزبندی‌ها و معیارهای تقسیم‌بندی به دست آمده است. ماحوزی (۱۳۹۲) نیز در «رویکرد فارابی و ابن‌سینا بر علوم و تقسیم آن» پس از تشریح علم‌شناسی فارابی و ابن‌سینا به تشریح رویکرد رشته‌ای و میان‌رشته‌ای پرداخت و بیان داشت در علم‌شناسی ابن‌سینا و فارابی هم از وحدت علوم و ارتباط آن با یکدیگر سخن گفته شده و هم از تمایز و تفرد هر یک از دیگری و دو تصویر وحدت‌انگارانه و تکثرگرایانه (تخصصی) از علوم در کنار هم گردآمده است، ولی این موضوع نه معادل رویکرد رشته‌ای در عصر مدرن و نه معادل رویکرد میان‌رشته‌ای است و حتی معادل وحدت این دو نیست، وی در نهایت با لحاظ احتیاط در استعمال، واژه «پیشارشته‌ای» را به علم‌شناسی فارابی و ابن‌سینا نسبت داد.

تحلیل و جمع‌بندی

شکل ۱ نشان می‌دهد طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط فلاسفه و دانشمندان در ابتدا، با رویکرد مطالعات توصیفی، مطالعات انتقادی و تحلیلی و سپس مطالعات ترکیبی که طبقه‌بندی علوم را به حوزه‌های سازماندهی دانش، رده‌بندی کتابخانه‌ای، مباحث فلسفی و غیره تلفیق می‌کردند و در نهایت به‌سمت مطالعاتی که طبقه‌بندی علوم را در تقابل با رویکردهای میان رشته‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند، در حرکت است. میان‌رشته‌ای رویکردی جدید در طبقه‌بندی علوم است، با توجه به این‌که امروز علوم و فنون جدید پا به عرصه نهاده‌اند که اساس و ذات آن‌ها چندرشته‌ای است و مسائل آن‌ها جز از طریق مطالعات میان‌رشته‌ای قابل بحث و بررسی نیست

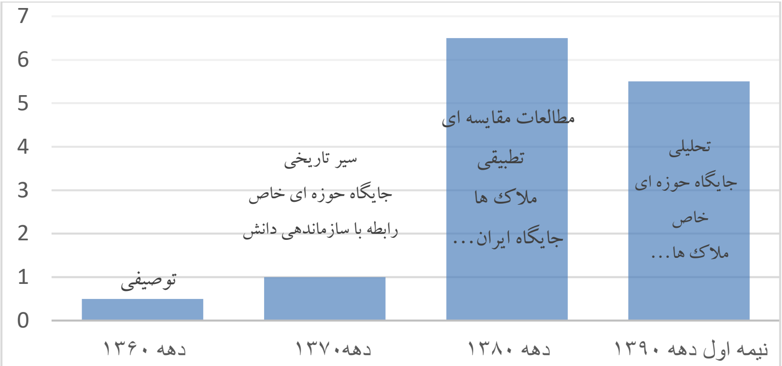
بنابراین باید طبقه‌بندی‌های جدید از علوم صورت گیرد که منطبق با رویکرد میان‌رشته‌ای باشد.



شکل ۱. سیر مطالعات مربوط به طبقه‌بندی علوم

نخستین نوشته‌های فارسی در حوزه طبقه‌بندی علوم در دهه شصت منتشر شدند، آثار منتشر شده در این دهه بسیار محدود و انگشت‌شمار است. سایر آثار منتشر شده در این دهه مقاله بوده و به غیر از مقاله‌شهریاری (ترجمه) بقیه تألیفی هستند. مقالات این دهه با نگاهی گذرا و به شیوه‌ی توصیفی به طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند. اما بدون تردید این پژوهش‌ها مقدمه‌ای برای پژوهش‌های بعدی شدند. در دهه هفتاد، تعداد مقالات به لحاظ کمی و کیفی سیر رو به رشدی نشان می‌دهد. حدود ۳۰ درصد مقالات در مجلات کتابداری و علم اطلاعات به چاپ رسیده است. نقطه‌ی عطف انتشار آثار در حوزه‌ی طبقه‌بندی علوم به دهه ۱۳۸۰ بازمی‌گردد. مقالات منتشر شده در این دهه به لحاظ کمی و کیفی رشد چشمگیری داشتند. سبک مقالات از شیوه توصیفی محض خارج شد و به شیوه تطبیقی و مقایسه‌ای و با دید انتقادی نگاشته شدند. با آغاز دهه ۱۳۹۰ همچنان شاهد افزایش انتشارات در مورد طبقه‌بندی علوم هم به لحاظ کیفی و هم به لحاظ کمی هستیم. به‌طوری که آثار منتشر شده در چهار سال آغازین این دهه به لحاظ کمی بیشتر از آثار منتشر شده در دهه ۸۰ می‌باشد. در این دهه تاکنون آثار ارزشمندی با دیدگاه‌ها و سبک و سیاق متفاوت به چاپ رسیده است. مطرح شدن رشته و میان‌رشته و پیوند آن با طبقه‌بندی علوم به‌دنبال مطرح شدن این مسئله در دنیا از موضوعات قابل تأمل این دهه است. پژوهش‌های انجام شده در این حوزه به‌جز موارد بسیار محدود همگی مقاله است. بیشتر مقالات چاپ شده تألیفی هستند و تعداد مقالات ترجمه‌ای انگشت‌شمار است. تعداد مقالاتی که در مجلات کتابداری و علم اطلاعات و یا توسط کتابداران منتشر شده‌اند اندک است. اکثر مقالات در خصوص طبقه‌بندی علوم در مجلات دارای اعتبار علمی- پژوهشی و یا علمی-

ترویجی به چاپ رسیده‌اند که نشان‌دهنده‌ی استقبال مجلات دارای اعتبار از این موضوع می‌باشد. شکل۲ دسته-بندی مطالعات مربوط به طبقه‌بندی علوم و فراوانی آن را در دهه‌های مختلف نشان می‌دهد.



شکل۲. دسته‌بندی و فراوانی مطالعات مربوط به طبقه‌بندی علوم

مطالعه‌ی متون مربوط به طبقه‌بندی علوم همراه با دسته‌بندی و مشخص نمودن محورهای مطالعاتی بیانگر آن است که دسته‌ای از پژوهش‌ها تأثیر هر کدام از طبقه‌بندی‌ها را در جریان طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی نشان داده‌اند. عده‌ای دیگر با بررسی دیدگاه علمای طبقه‌بندی علوم در اسلام به استفاده از آن‌ها در نمایه‌سازی موضوعی و دیگر امور فنی کتابداری دست یافتند. مطالعه تطبیقی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط فلاسفه موجب دقت نظر در نگاه به علوم و ایجاد رشته‌های جدید شده است. بررسی سیر تعالی و تکامل علوم تعلیم علوم را آسان‌تر و نظام‌مندتر نموده است، همچنین مسیر حرکت به‌سمت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای هموار شده است. مطالعه طبقه‌بندی‌ها این سؤال را در ذهن تداعی می‌کند که چرا طبقه‌بندی‌های دانشمندان مسلمان مبنای رده‌بندی دانش قرار نگرفته است.

مطالعه‌ی متون مربوط به طبقه‌بندی‌های ایجاد شده در ایران می‌تواند سرآغازی برای دست یافتن به نظریه‌ی نوین در طبقه‌بندی علوم باشد. رویکرد فلسفی به مسئله‌ی سازماندهی دانش در توسعه این حوزه مؤثر است. در حوزه‌ی سازماندهی دانش با رویکرد هستی‌شناسانه که رویکرد فلسفی به این حوزه است هدف این حوزه و ماهیت آن مشخص می‌شود، همچنین با مطالعه فلسفی در حوزه طبقه‌بندی علوم مبانی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته تعیین می‌گردد و ضمن مشخص نمودن نواقص آن‌ها طبقه‌بندی‌های جدیدی از علوم ارائه می‌شود. به‌طور کلی بررسی مطالعات انجام شده در خصوص طبقه‌بندی علوم در ایران بیانگر آن است که هر یک از مطالعات با رویکرد خاص خود به طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند و حاصل این مطالعات توجه ویژه به علوم، تکامل علوم، ایجاد رشته‌های جدید و حرکت به‌سمت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است که این حرکت منطبق با وضعیت کنونی علوم است، یعنی

پیدایش علوم و فنون جدیدی که ماهیت آن‌ها میان‌رشته‌ای است. بررسی محورهای مطالعاتی صورت گرفته نشان می‌دهد در این مطالعات توجه به اولویت‌بندی علوم نادیده گرفته شده است و تنها در مقاله عطائی آشتیانی (۱۳۸۲) تا حدودی به آن پرداخته شده است. همچنین مسئله‌ای که پژوهشگران از آن غافل مانده‌اند ایجاد یک نظام یا سامانه‌ی علمی بومی یا جهانی است که در آن به میان‌رشته‌ای‌ها توجه شده باشد.

پیشنهادهای پژوهش

۱) پیشنهاد می‌شود نقد و بررسی جدی، علمی و جامع از طبقه‌بندی‌های صورت گرفته انجام شود و بر اساس آن نظام طبقه‌بندی در دو سطح بومی یا جهانی با در نظر گرفتن تمهیدات بین‌رشته‌ای صورت بگیرد.

۲) با توجه به ماهیت علوم جدید و بین‌رشته‌ای بودن آن‌ها ایجاد رده‌بندی جدید پیشنهاد می‌شود، البته پشتوانه فکری و فلسفی چنین رده‌بندی می‌تواند سابقه‌ی هزارساله‌ی طبقه‌بندی علوم نزد دانشمندان مسلمان باشد.

۳) پیشنهاد می‌شود محققین در صورت وجود مقالات چاپ شده در خصوص طبقه‌بندی علوم توسط پژوهشگران کشورهای دیگر آن‌ها را مطالعه کنند تا از دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص طبقه‌بندی علوم در کشورهای دیگر آگاه شوند.

۴) با توجه به کمبود کتب تألیفی در خصوص طبقه‌بندی علوم پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به تألیف کتاب در این حوزه بپردازند.

۵) پیشنهاد می‌شود دانشجویان به نگارش پایان‌نامه در خصوص طبقه‌بندی علوم بپردازند.

۶) با توجه به وجود درس طبقه‌بندی و توسعه علوم در مقطع دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی پیشنهاد می‌شود پژوهشگران این رشته تحقیقات پرباری در خصوص طبقه‌بندی علوم انجام دهند.

۷) پیشنهاد می‌شود پژوهشی که متون خارجی در این حوزه را بررسی می‌کند، انجام شود.

منابع

آرضایی، احمد (۱۳۹۰). *طبقه‌بندی علوم، مبانی و ملاک‌های آن از دیدگاه ابن‌سینا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دانشکده الهیات معارف اسلامی.

آملی، حیدربن علی و کریمی‌زنجانی‌اصل، محمد (۱۳۸۰). تقسیم‌بندی علوم در جامع‌الاسرار آملی. *میراث شهاب*، ۲۳، ۱۲۴–۱۳۵. بازیابی شده در ۲ شهریور ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/1236573.pdf

اسلام‌پور، حسن (۱۳۸۸). نگاهی به جایگاه علوم عقلی در میان علوم (با تأکید بر دیدگاه فارابی، غزالی و قطب‌الدین شیرازی). *معارف عقلی*، (۲)، ۸۷–۱۲۸. بازیابی شده در ۴ تیرماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/91184.Pdf

اکرمی، ایوب (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی طبقه‌بندی‌های علوم در تمدن اسلامی. *معرفت*، ۱۹ (۴)، ۷۱–۸۷. بازیابی شده در ۳ شهریور ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 224062. Pdf

امیری، مهدی (۱۳۹۳). *بررسی مقایسه‌ای تقسیم‌بندی علوم از منظر ارسطو، فارابی، اخوان‌الصفا و ابن‌سینا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده الهیات.

اندرسون، جک (۱۳۹۱). سازماندهی دانش: نقد و تحلیل اجتماعی–تاریخی؛ بررسی نسبت طبقه‌بندی علوم و سازماندهی دانش با سازماندهی اجتماعی. ترجمه رحمان شریف‌زاده، *سوره اندیشه*، (۶۲ و ۶۳)، ۹۲–۹۹. بازیابی شده در ۷ شهریور ۱۳۹۵ از www.sooremag.ir

اوجبی، علی (۱۳۹۰). طبقه‌بندی دانش‌های عقلی یا گونه‌های فلسفه. *کتاب ماه (فلسفه)*، ۴۳، ۶۰–۶۱. بازیابی شده در ۵ مرداد ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/792227. Pdf

بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). مقوله تمدن در طبقه‌بندی علوم اسلامی. *فصلنامه فلسفه و الهیات*، (۳)، ۱۹–۳۸. بازیابی شده در ۶ تیرماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 412067.Pdf

بحرانی، مرتضی (۱۳۹۲). رشته، میان‌رشته و تقسیم‌بندی علوم. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۵ (۲)، ۳۷–۵۹. بازیابی شده در ۶ مهرماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 328397.Pdf

بوذری‌نژاد، یحیی، خسروی، قاسم (۱۳۹۳). جایگاه دانش‌های شرعی در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه فارابی، غزالی و خواجه‌نصیرالدین طوسی. دو فصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، (۱)، ۱۶۹–۱۹۱. بازیابی شده در ۳ آبان ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper1521747. pdf

ثقفی، محمد (۱۳۸۱). تقسیم‌بندی علوم ۲. *درس‌هایی از مکتب اسلام*، (۴۲)۵، ۱۶۹–۱۹۱. بازیابی شده در ۶ مهرماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 44495.Pdf

جلالی، غلامرضا (۱۳۹۱). طبقه‌بندی علوم با رویکرد اسلامی ایرانی (ضرورت شناسایی الزامات و مختصات پارادایم جدید). *مشکوات*، ۳۱ (۱۱۵)، ۷۶–۹۵. بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۹۵ از sccsr.ac.ir/Journal/368. Pdf

جمال‌پور، بهرام (۱۳۶۱). فلسفه و تقسیم‌بندی علوم در حکمت کندی. *ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، (۶)، ۵۹–۷۶. بازیابی شده در ۵ مرداد ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/807342. Pdf

جوکار، حامد (۱۳۹۴). دو گونه طبقه‌بندی علوم در نگاه اخوان‌الصفا و خلان‌الوفا. *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، (۱)، ۱۲۳–۱۳۸. بازیابی شده در ۶ آذر ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 359134. Pdf

جهانگیری، محسن (۱۳۶۷). فرانسیس بیکن: طبقه‌بندی علوم. *مجله دانشکده ادبیان و علوم انسانی دانشگاه تهران*،(۳۳ و ۳۴)، ۱۰۵–۱۰۸.. بازیابی شده در ۶ آذر ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 313726. Pdf

حبیبی، نجفقلی (۱۳۷۴). مبانی تقسیمات علوم به انضمام رساله تقاسیم العلوم شهرزوری. *مقالات و بررسی‌ها*،(۵۷ و ۵۸)، ۱۳۱–۱۶۶.. بازیابی شده در ۶ تیر ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 152982. Pdf

حسینی، محمد (۱۳۸۹). تاریخ تحولات طبقه‌بندی و رده‌بندی در فرهنگ اسلامی. *آینه پژوهش*، (۱۲۵)، ۱۵–۲۰. بازیابی

شده در ۵ مهر ۱۳۹۵ از.http://www.noormags.ir/view/fa/ 752854 pdf

حسینی، عقیل (۱۳۹۰). علم اجتماعی در تقسیم‌بندی علوم حکمای مسلمان: جایگاه علم اجتماعی در طبقه‌بندی علوم از دیدگاه حکمای مسلمان. *سوره اندیشه*،۵۴ و ۵۵، ۱۷۹–۱۸۳. بازیابی شده در ۱۸ تیر ۱۳۹۵ ازpdf . http://ensani.ir/fa/article/ 327964

حقیقت، صادق (۱۳۸۳). طبقه‌بندی دانش (سیاسی) در جهان اسلام با تأکید بر دوره میانه. *مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم*، (۲۸)، ۱۰۱–۱۲۱. بازیابی شده در ۱۵ مرداد ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/105622. Pdf

حقیقی، محمود (۱۳۶۶). مروری بر رده‌بندی نظری و رده‌بندی عملی. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، (۳۹۰)، ۴۵–۵۸. بازیابی شده در ۱۱ بهمن ۹۵ از jpsyedu.ut.ac.ir. Pdf

خزائیلی‌نجف‌آبادی، محمدباقر (۱۳۹۱). جابربن حیان و طبقه‌بندی علوم. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۳ (۸)، ۸۲–۷۳. بازیابی شده در ۲ فروردین ۹۶ ازjpsyedu.ut.ac.ir . Pdf

خزائیلی، محمدباقر؛ منتظرالقائم، اصغر؛ میرجعفری، حسین. (۱۳۹۱). *کتاب جوامع‌العلوم و طبقه‌بندی علم. مطالعات تاریخ اسلام*، (۱۳)، ۳۷–۶۵. بازیابی شده در ۵ فروردین ۹۶ از https://magiran.com/paper. pdf

داودی، مهدی (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جنبه‌های نظری رده‌بندی. *مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، (۱–۴)، ۳۰۲–۲۷۱. بازیابی شده در ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 185849. Pdf

ذاکر، محمدابراهیم. (۱۳۸۹). واکاوی جایگاه دانش پزشکی در رده‌بندی علوم اسلامی. *فصلنامه تاریخ پزشکی*،۲(۳)، ۹۹–۱۱۸. بازیابی شده در ۱۶ اسفند ۱۳۹۵ از sid.ir/fa/journal/viewpaper-aspx ID=136309

رزمجو، حسین (۱۳۷۶). امکان دستیابی به نظام اسلامی و مستقل در طبقه‌بندی کتاب. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، (۲۶ و ۲۷)، ۵۳–۵۸. . بازیابی شده در ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 191286.Pdf

رستم‌پور ملکی، رقیه و روحی‌دل، الهه (۱۳۷۵). رساله در تقسیم‌بندی علوم و احوال دانشمندان نامدار مولانا سلطان محمودبن غلامعلی طبسی. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، (۲۴ و ۲۵)، ۹۷–۱۳۸.بازیابی شده در ۱۵دیماه ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/857215. Pdf

رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۵). منطق طبقه‌بندی علوم. *فصلنامه ذهن*، (۶۵)، ۵–۲۸. بازیابی شده در ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ ازPdf. http://ensani.ir/fa/article/ 370217

رضایی، محمدجواد (۱۳۸۳). بررسی، تحلیل و نقد دیدگاه ابن‌سینا درباره طبقه‌بندی علوم. *انجمن معارف اسلامی*،۱ (۱)، ۱۶۵–۱۴۱. بازیابی شده در ۲۶ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 188590. Pdf

رفیعی‌علامه، علی (۱۳۷۳). طبقه‌بندی علوم در جهان اسلام. *نامه فرهنگ*، (۱۳)، ۱۱۰–۱۲۷. بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵ ازhttp://www.noormags.ir/view/fa/ 936178 . Pdf

زکی، محمدعلی (۱۳۸۰). علم و دانش در اندیشه ابن خلدون. *کیهان فرهنگی*، (۱۷۶)، ۴۴–۴۷. بازیابی شده در ۳ بهمن ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper1150. pdf

زوستاک، ریک (۱۳۹۵). *طبقه‌بندی علم: پدیده‌ها، داده‌ها، نظریه‌ها، روش‌ها، رویه‌ها.* ترجمه رضا مختارپور و علی‌اکبر خاصه، تهران: نشر کتابدار.

سالاری، حسن (۱۳۸۶). از رده‌بندی ارسطویی تا رده‌بندی ایرانی. *فردوسی*، (۶۲ و ۶۳)، ۱۲۶-۱۲۸. بازیابی شده در ۳ فروردین ۱۳۹۶ از Vista.ir/w/a/2i9qb

سجادی، مهدی؛ نورآبادی، سولماز (۱۳۸۹). تبیین و تحلیل ماهیت و کارکرد میان رشته‌ای، فلسفه تعلیم و تربیت. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۲ (۲)، ۱۹-۴۱. بازیابی شده در ۹ اسفند ۱۳۹۵ از Pdf . http://ensani.ir/fa/article/ 278079

سیاری، سعیده؛ فرامرزقراملکی، احد (۱۳۸۹). مطالعات میان‌رشته‌ای: مبانی و رهیافت‌ها. *مجله فلسفه و کلام اسلامی*، (۲)، ۵۹-۸۲. بازیابی شده در ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 278476. Pdf

شریعت‌پناهی، ماهیار (۱۳۹۳). دانش طب و طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی* ۵ (۱۴)، ۲۳-۵۰. بازیابی شده در ۲۸ مهر ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 331256. Pdf

شهریاری، پرویز (۱۳۶۰). طبقه‌بندی دانش‌ها (مفهوم تکامل در تاریخ دانش). *هدهد*، (۳ و ۴)، ۳۶۲-۳۶۸. بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/ 448561. Pdf

صبوریان، محسن (۱۳۹۲). ابن خلدون و تقسیم‌بندی ارسطویی علوم. *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، (۱۷)، ۵- ۲۲. بازیابی شده در ۱۱ دیماه ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper1320745. Pdf

صدقی، ناصر (۱۳۹۵). جایگاه علم تاریخ در طبقه‌بندی علوم توسط اندیشمندان مسلمان از خوارزمی تا ابن‌خلدون. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های تاریخی*، (۲)، ۲۱-۳۴. بازیابی شده در ۵ مهر ۱۳۹۵ از Sid .ir/fa/ Journal/Viewpaper.aspx Id= 321872. Pdf

طالعی، عبدالحسین; کریمی، رضا و عباداله‌عموقین، جعفر (۱۳۹۲). مروری بر طبقه‌بندی علوم از صدرالافضل تبریزی. *دوماهنامه آینه پژوهش*، (۱۴۱)، ۱۶-۲۲. بازیابی شده در۱۱ دیماه ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper 1221769. Pdf

طاهری، مسعود (۱۳۹۴). طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی تا پایان قرن هشتم هجری. *فصلنامه نامه فرهنگستان*، (۵۶)، ۶۲-۸۰. بازیابی شده در۱۳ دیماه ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper1494966. Pdf

طاهری‌عراقی، احمد (۱۳۶۳). تقسیم‌بندی علوم از نظر غزالی. *معارف*، (۳)، ۸۱-۹۰. بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/ 224388. Pdf

عالمی، محمدرضا و صفری‌فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). علم انساب‌نگاری و جایگاه آن در طبقه‌بندی علوم. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۳ (۷)، ۸۵-۱۰۸. بازیابی شده در۲۳بهمن ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper1145007. Pdf

عطائی‌آشتیانی، زهره (۱۳۸۲). دانش و ارزش در طبقه‌بندی علوم، *جستارهای تاریخی*، ۱۶ (۴)، ۱۶۳-۲۰۸. بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵ ازhttp://www.noormags.ir/view/fa/ 43942

علیزاده، بیوک (۱۳۷۹). جایگاه عرفان در طبقه‌بندی علوم.*پژوهشنامه متین*، ۷، ۱۱۳-۱۴۲. . بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵

از http://www.noormags.ir/view/fa/ 101672. Pdf

فدایی، غلامرضا (۱۳۸۰). طرحی نو در طبقه‌بندی علوم. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۴۶ و ۴۷ (۱۵۸ و ۱۵۹)، ۲۸۷-۳۰۸. بازیابی شده در ۵ فروردین ۱۳۹۶ Journals.Ut.ac.ir/artuicle/13655. Pdf

فدایی، غلامرضا (۱۳۸۴). طرحی نو برای رده‌بندی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی. فصلنامه علوم و فناوری اطلاعات، ۲۱ (۲)، ص ۱۰۵-۱۳۲. بازیابی شده در ۲۸ مهر ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 126952. Pdf

فدایی، غلامرضا (۱۳۸۷). *طرحی نو در طبقه‌بندی علوم و رده‌بندی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی*. تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۳۲ص.

فدایی، غلامرضا (۱۳۹۰). چگونه طبقه‌بندی شکل می‌گیرد/تأثیر جهان‌بینی بر طبقه‌بندی علوم و تأثیر متقابل طبقه‌بندی علوم بر معرفت‌شناسی انسان. *دوماهنامه سوره اندیشه*، (۵۵)، ۱۵۴-۱۶۱. بازیابی شده در۲۱ دیماه ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper 48863. Pdf

فدایی، غلامرضا (۱۳۹۵). طبقه‌بندی و توسعه علوم. فصلنامه نقد کتاب، اطلاع‌رسانی و ارتباطات، ۷،۱۰-۲۰

فرشاد، مهدی (۱۳۶۵). *تاریخ علم در ایران*. تهران، انتشارات امیرکبیر. بازیابی شده در ۵ مهر ۱۳۹۵ از elmnet.ir/Article/1519822-28144.Pdf

مفتونی، نادیا؛ فرامرزقراملی، احد (۱۳۸۳). رهیافت‌های دانشمندان مسلمان در علم‌شناسی. مقالات و بررسی‌ها، (۷۵)، ۳۹-۶۰. بازیابی شده در ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 159090. Pdf

قاسمی، جواد (۱۳۸۱). *طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان*. تألیف عثمان بکار، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

قوام‌صفری، مهدی (۱۳۷۲). جایگاه الهیات در طبقه‌بندی ارسطو از علم. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، (۱۴۸ و ۱۴۹)، ۱۴۸-۱۲۵. بازیابی شده در ۲۲ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 163461. Pdf

کاکایی، قاسم (۱۳۸۴). عرض ذاتی به‌عنوان معیار وحدت و تمایز مسائل علوم. *مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان*، ۴ (۱۰)، ۹۶-۷۱. بازیابی شده در ۲۸ دیماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 65904. Pdf

کدیور، محسن (۱۳۸۷). ابن‌سینا و طبقه‌بندی حکمت تحلیل، تحقیق و تصحیح رساله اقسام الحکمه. *دو فصلنامه جاویدان خرد*، ۵(۱)، ۳۵-۱۰۲. بازیابی شده در ۱۶ دیماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 278496. Pdf

کرامتی، یونس (۱۳۸۷). تأثیر دیدگاه‌های فارابی بر طبقه‌بندی علوم در اروپای سده‌های میانه. *ماهنامه کتاب ماه (فلسفه)*، (۱۷)، ص ۳. بازیابی شده در ۲۹ دیماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 2085525. Pdf

کیانی‌فرید، مریم (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی، اسلام: طبقه‌بندی در تاریخ، بحثی در باب تقسیمات علوم از منظر اندیشمندان متقدم. *سوره اندیشه*، (۵۴ و ۵۵)، ۱۷۰-۱۷۸. بازیابی شده در ۱۹ دیماه ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 327963. Pdf

لاریجانی، صادق (۱۳۹۱). تمایز علوم. *پژوهش‌های اصولی*، (۱۵)، ۷-۳۴. بازیابی شده در ۴ فروردین ۱۳۹۶ از http://www.juosul.ir/article110696. Pdf

لک‌زایی، نجف (۱۳۸۷). طبقه‌بندی علوم از دیدگاه صدرالمتألهین و امام خمینی. *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه*

اسلامی، (۳۹)، ۱۲(۳)، ۱–۲۰. . بازیابی شده در ۱۹ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 182205. Pdf

ماحوزی، رضا (۱۳۹۲). رویکرد فارابی و ابن‌سینا بر علوم و تقسیم آن: رویکردی پیشا رشته‌ای و یا میان‌رشته‌ای، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، (۱۹)، ۳۷-۵۱. بازیابی شده در ۱۱ دیماه ۱۳۹۵ ازPdf . http://ensani.ir/fa/article/ 328403

مبلغ، محمداسماعیل (۱۳۳۹). طبقه‌بندی علوم فلسفی. *آریانا*، (۲۱۴)، ۱۳–۱۷. بازیابی شده در ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ ازPdf . http://ensani.ir/fa/article/ 133418

مبلغ، محمداسماعیل (۱۳۳۹). طبقه‌بندی علوم فلسفی *آریانا*، (۲۱۵)، ۹–۱۶. بازیابی شده در ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 133418 . Pdf

مبلغ، محمداسماعیل (۱۳۳۹). طبقه‌بندی علوم فلسفی–۳. *آریانا*، (۲۱۶)، ۹– ۱۳. بازیابی شده در ۱۰ اسفند ۱۳۹۵ ازPdf . http://ensani.ir/fa/article/ 133418

محقق، مهدی (۱۳۷۰). تقسیم‌بندی علوم از نظر دانشمندان اسلامی. *فصلنامه سیاست*، (۱)، ۲۸–۳۷. بازیابی شده در ۱۳ اسفند ۱۳۹۵ از qudsonline.ir/news/404306. Pdf

محمدنیا، مرتضی (۱۳۸۴). تأثیر رده‌بندی ارسطو بر رده‌بندی‌های اسلامی. *آینه پژوهش*، (۹۶)، ۵۶–۶۱. بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵ ازhttp://www.noormags.ir/view/fa/ 32272. Pdf

مستقیمی، مهدیه‌السادات (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی نظریه ابن‌سینا در باب طبقه‌بندی علوم. *پژوهش‌های فلسفی-کلامی*، ۱۰ (۱)، ۱۹۸–۱۷۵. بازیابی شده در ۱۶ اسفند ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 223011. Pdf

مصطفوی‌فرد، حامد (۱۳۹۳). طبقه‌بندی علوم، چیستی، چرایی و چگونگی. *فصلنامه‌ی رهیافت*، (۵۶)، ۸۳–۱۰۰. بازیابی شده در ۱۳دیماه ۱۳۹۵ از http://www.noormags.ir/view/fa/1084454. Pdf

مصطفوی‌فرد، حامد (۱۳۹۵). سیر تطور در الگوهای تمایز علوم در اندیشه متفکران مسلمان. *پژوهش‌های فلسفی*، (۱۸)، ۱۲۵–۱۵۲. بازیابی شده در ۱۶ آبان ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 361060. Pdf

موحد ابطحی، محمدتقی (۱۳۹۰). نظریه اجتماعی، ایران: از تقسیم علوم تا تدبیر امور، جایگاه علوم انسانی در طبقه‌بندی علوم و سیاست‌گذاری. *سوره اندیشه*، (۵۴ و ۵۵)، ۱۶۶–۱۶۹. بازیابی شده در ۱۶ آبان ۱۳۹۵ ازPdf .327962 http://ensani.ir/fa/article/

مؤمنی، مرجان (۱۳۹۴). نقش جهان‌بینی در طبقه‌بندی علوم. در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی. مؤسسه مدیران ایده‌پرداز پایتخت ویرا، تهران، اسفند ۱۳۹۴، CoI: ICMSCONF01-241

میرباقری، محمدمهدی (۱۳۹۲). *مبانی نظری روش طبقه‌بندی علوم*. قم: فرهنگستان علوم اسلامی.

میرجعفری، حسین؛ منتظرالقائم، اصغر و خزائیلی، محمدباقر (۱۳۹۰). کتاب جوامع‌العلوم و طبقه‌بندی علم. *پژوهش‌نامه تاریخ*، (۲۲)، ۱۹۲–۱۷۵. بازیابی شده در ۲۱ دیماه ۱۳۹۵ از https://magiran.com/paper 1049480. Pdf

میرعلی، محمدعلی (۱۳۸۹). تقسیم‌بندی علوم در اندیشه غزالی. *معرفت*، ۱۹ (۱۰)، ۳۹-۱. بازیابی شده در ۱۶ آبان ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 306694. Pdf

ناظمی قره‌باغ، مهدی (۱۳۹۰). تأمل: عالم علوم/ تأملی در امکان طبقه‌بندی علوم. *دوماهنامه سوره اندیشه*، (۵۵)، ص ۱۴۹–

۱۵۲. بازیابی شده در ۱۸ شهریور ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 327959. Pdf

نوذری، حسین‌علی (۱۳۸۳). ماهیت بین‌رشته‌ای علوم در ضرورت همکاری و تعامل تاریخ و علوم اجتماعی. *تاریخ معاصر ایران*، (۳۰)، ۱۷۱–۲۳۰. بازیابی شده در ۱۱ آبان ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/83149. Pdf

نوروزی، رضاعلی؛ عابدی، منیره (۱۳۹۱). انواع علم از منظر علامه طباطبایی و پیامدهای آن در قلمرو اهداف و محتوای برنامه درسی. *دو فصلنامه تربیت اسلامی*، ۷(۱۴)، ۱۶۵–۱۸۸. بازیابی شده در ۱۶ مهر ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/ 320723. Pdf

نوری، محمد. (۱۳۷۵) جایگاه مباحث سیاسی در طبقه‌بندی علوم اسلامی. حکومت *اسلامی*، (۱)، ۲۲۲–۲۴۵. بازیابی شده در ۲۰ اسفند ۱۳۹۵ از hawzeh.net/fa/Article/view/81767. Pdf

یعقوب‌نژاد، محمدهادی. (۱۳۹۰) طبقه‌بندی علوم و چالش‌های فرارو. *نقد و نظر*، ۱۶ (۴)، ۱۳۵–۱۵۲. بازیابی شده در ۲۸ آبان ۱۳۹۵ از http://ensani.ir/fa/article/411993 . Pdf

A Review on Science Clasification Studies in Iran

Farzaneh Afifian*
Shiraz University
GholamReza Haidari
Razi University

Abstract

Introduction: Classification of science has been emerged with development and extension of knowledge simultaneously and multiple researches are done in this subject.

Methodology: This research intends to provide a clear image based on truth of the researches which are done in Iran. These researches are investigated in Persian language. The research method of this article is a documental-analytical review. The researches which were done in this subject including books, articles and thesis studied and compilation of websites, databases and libraries.

Findings: Finding shows the beginning of the publication of the references related to this field referred to the 60s. Done researches in this field in terms of quantitatively and somewhat qualitatively are seemed to grow. The vector of study of previous researches in the field of classification of science reveals that the research moved towards critical, comparative studies and also lately towards the interdisciplinary approach. Mostly the maximum issued works in this field are published in papers form which have scientific credibility. Also there is some books which are written down in this field and few theses regarding this issues are done. Some articles in this issue also are compiled by librarians and experts of information published by knowledge and information science journals.

Keywords: Science classification, Knowledge, Literature review, Publishers, Science

* . fafif@rose.shirazu.ac.ir